

آغاز سخن

تدوین نسخ خطی به آن محل فرا خوانده می‌شدند، بنابراین با وجود سوابق هنری در شهر اصفهان قطعاً هنرمندانی از این شهر به آن مرکز هنری راه یافته بوده‌اند.

ایسن سنت در دیگر کارگاههای هنری از جمله هرات مرسوم بوده که مولانا محمد قدیمی اصفهانی در آن کارگاه فعال بوده است. با به قدرت رسیدن شاه اسماعیل اول کانون هنر به شهر تبریز انتقال می‌یابد، شهر تبریز در عصر صفویه دوباره مرکز و تجمع هنرمندان زبده از سراسر ایران می‌شود. میرک نقاش از مصوران اصفهانی است که در دربار شاه اسماعیل اول فعال بود. همچنین در عصر شاه طهماسب در قزوین، خواجه عبدالعزیز اصفهانی فعالیت می‌کرد.

موقعیت طبیعی اصفهان زمینه‌هایی را فراهم نموده که این شهر در سیر تاریخ عموماً از مراکز مهم فعالیت‌های علمی و هنری واقع گردد، هر چند به دلیل کمبود اسناد و مدارک اطلاعات کافی از بعضی دوره‌ها و حوزه‌های هنری به‌ویژه نقاشی وجود ندارد، ولی آنچه از منابع و اسناد موجود هویدا است، شهر اصفهان در دوران اسلامی از شهرهای مهم در پرورش هنر و هنرمندان بوده است.

«راوندی در راحة الصدور می‌نویسد: "سبب تألیف این کتاب آن بود که در شهر سنه ثمانین و خمس مائه خداوند عالم رکن‌الدین والدین طغرل بن ارسلان را هوای مجموعه‌ای بود از اشعار، خال دعاگوی، زین‌الدین می‌نوشت و جمال نقاش اصفهانی آن را صورت می‌کرد، صورت هر شاعری می‌کردند و در عقبش شعر می‌آوردند و مضاحکی چند می‌نوشتند و آن حکایت را صورت رقم می‌زدند و خداوند عالم مجلس بدان می‌آراست و به‌لطف طبع مضاحکی چندها ساختی..." از این‌گونه کتابها سلاطین و بزرگان بسیار می‌ساختند که امروز ما را به آنها دسترسی نیست. جمال‌الدین نقاش همانا جمال‌الدین عبدالرزاق اصفهانی* (۵۸۸) پسر کمال اسماعیل شاعر معروف است» (۹: ص ۳۱ و ۳۲).

از این‌رو با وجود اینکه آثار بسیار مهم و ارزشمندی همچون محراب اولجایتو در مسجد جامع اصفهان، قبل از پایتختی اصفهان در عصر شاه عباس اول خلق شده است، کاملاً آشکار است که در این شهر طراحان و نقاشان بزرگی می‌زیسته‌اند که کمتر نام و شهرت آنها در منابع آمده است. در عصر ایلخانان مغول که سنت کار گروهی و یا کارگاهی مرسوم می‌گردد، با شروع فعالیت هنری و علمی در تشکیلات ربع رشیدی در تبریز، هنرمندان از سرتاسر قلمرو ایلخانان به همت فضل‌الله همدانی برای

معرفی برخی از نقاشان شهر اصفهان از قرن ششم تا سیزدهم هجری

دکتر اصغر جوانی*

*- دکترای هنر و عضو هیأت علمی دانشگاه

هنر اصفهان

*- همان‌طور که محمد اقبال، مصحح کتاب راحة الصدور و آية السرور در حواشی و اضافات (ص ۴۷۷) این کتاب آورده است: «جمال نقاش اصفهانی، یکی از دوستان جمال‌الدین عبدالرزاق اصفهانی بوده است و جمال‌الدین را در مدح او قصیده‌ای است:

ای نقشبند عالم جان اندرین جهان

نی‌نی که نیست هیچ پذیرای نفس جان

نقش لقای خوب تو بینم، منم جمال

نامت جمال نقاش آمد ز بهر آن

و از این قصیده معلوم می‌شود که جمال نقاش در فن خط و شعر و عبارت نیز حظی داشته است، چنانکه می‌گوید:

ای کلک نقشبند تو آرایش جهان

وی لفظ دلگشای تو آسایش جهان

نظارگی خط تو نرگس به بیست چشم

مدحت‌سرای فضل تو سوسن به ده زبان

اندر سواد خط شریف تو لفظ عذب

آب حیات در ظلمات‌ست بی‌گمان

بنابراین، سهیلی خوانساری (که مؤلف

مقاله این سند را به نقل از وی آورده است)

در مقدمه کتاب گلستان هنر اثر قاضی احمد

قمی در این خصوص اشتباه کرده است.

(ویراستار)

بعد از اتمام دوران پایتختی شهر قزوین حدود سال ۱۰۰۶ هـ. ق با به حکومت رسیدن شاه عباس اول اصفهان پایتخت صفویه می‌گردد و اصفهان مرکز تجمع هنر و اندیشه به‌عنوان ام‌القرای هنرها با نام مکتب نقاشی اصفهان شناخته می‌شود. در این نوشتار ضمن اشاره مختصری به سابقه پیدایش واژه مکتب اصفهان به معرفی برخی از نقاشان شهر اصفهان که یا زادگاه آنها اصفهان بوده و یا سالها در این شهر به فعالیت هنری مشغول بوده‌اند می‌پردازیم.

سابقه کاربرد مفهوم مکتب اصفهان

اینکه از چه زمانی مکتب اصفهان به‌کار برده شده اطلاع دقیقی در دست نیست، اما جلال‌الدین همایی این واژه را در حوزه معماری به دوران سلجوقیان مرتبط می‌داند و می‌گوید: «از زمان سلجوقه که مکتب اصفهان شروع به فعالیت کرد، شیوه معابد و مساجد ایرانی از استیل عربی و رومی ممتاز گردید و همین اسلوب در تمام ممالک اسلامی شیوع یافت.» (۱۱: ص ۱۸).

کاربرد مکتب اصفهان در حوزه فلسفه برای اولین بار از طرف هانری کربن دانشمند و اسلام‌شناس فرانسوی در مقاله‌ای تحت عنوان «مکتب الهی اصفهان - میرداماد معلم ثالث» که در مجله مردم‌شناسی، در آذرماه سال ۱۳۵۵ چاپ می‌شود، صورت می‌گیرد و آن را برای اطلاق به گروهی از متفکران و فیلسوفان که در عصر صفویه ظاهر شدند به‌کار می‌برد. بعداً این مفهوم را سید حسین نصر در کتاب تاریخ فلسفه اسلامی به‌کار می‌برد و استفاده بعدی این مفهوم از طرف هانری کربن (۱۹۷۲ م) سید حسین نصر (۱۹۷۸ م) و آشتیانی اساس محکمی در تبیین آن ایجاد می‌کند. در حدود یک قرن پیش واژه «مکتب» در حوزه پژوهش‌های هنر ایرانی و به‌ویژه هنر اسلامی، از جانب پژوهشگران خارجی به‌کار برده شد.

ایران می‌گردد. لذا اکثر هنرمندان اصفهان مربوط به این دوران و پس از آن می‌باشند که در ادامه به معرفی اجمالی برخی از آنها خواهیم پرداخت.

خواجه عبدالعزیز اصفهانی

او در دربار شاه طهماسب در تبریز فعالیت می‌کرده^۱ که علاوه بر اینکه در کارگاه سلطنتی شاه طهماسب مشغول بوده و به شاه طهماسب نقاشی می‌آموخت ظاهراً از اخلاق بد برخوردار بود. مصطفی عالی در کتاب مناقب هنروران در مورد او می‌گوید: «استاد بساها‌الایجاد این گروه علی‌الخصوص معلم شاه طهماسب، در صنعت فوق خواجه عبدالعزیز اصفهانی و شاگرد مورد نظر او و وظیفه‌گیر در نقاشخانه شاه طهماسب ملا علی‌اصغر»^۲ (ص ۷) هر دو استادانی عالم بودند، اما آنان نیز مثل شاه‌قولی به اخلاق بد مسموم بودند»^۳

خلیل نقاش

میرخلیل که او را درویش هراتی نیز می‌گفتند، از نقاشان بزرگ اصفهان در زمان شاه عباس کبیر است.

مقصود نقاش

حاجی مقصود نقاش اصفهانی از نقاشان زمان شاه عباس اول و همعصر خلیل نقاش بود.

صادقی بیگ افشار

صادقی بیگ افشار اصلاً از بزرگان ایل افشار بود که در اصفهان موطن و نزد شاه عباس اول تقرب داشت. سرگذشت احوال او را در کتاب عالم‌آرای عباسی (۱: ص ۱۷۵) و نیز در کتاب گلستان هنر قاضی میراحمد منشی قمی و سپس در تذکره نصرآبادی نوشته‌اند. صادقی بیگ در شاعری نیز مقامی ارجمند داشته و صادقی تخلص می‌کرد (۱۱: ص ۲۹۹-۲۹۸).

«وی در عهد شاه اسماعیل ثانی (۹۸۵ - ۹۸۴) داخل کتابخانه سلطنتی

به‌عنوان مثال: دکتر زکی محمدحسن واژه ECOIE را در حدود دهه سوم قرن بیستم میلادی در گواهینامه دکترای خود از دانشگاه سوربن فرانسه استفاده می‌کند. این تحقیق در سال ۱۹۳۶ م / ۱۳۵۵ هـ. ق تحت عنوان «التصویر فی الاسلام عندالفرس» در مصر منتشر می‌شود و در سال ۱۳۱۶ خورشیدی به همت دکتر ابوالقاسم سحاب تحت عنوان تاریخ نقاشی در ایران به فارسی ترجمه می‌گردد. دکتر ابوالقاسم سحاب واژه ECOIE (School انگلیسی) را معادل واژه هنرستان و یا مدرسه برای طبقه‌بندی دوره‌های مختلف تاریخ نقاشی ایران از جمله: هنرستان اصفهان [مکتب اصفهان] به‌کار می‌برد، مکتب نقاشی اصفهان از دورانی شکل و تکامل پیدا می‌کند که شاه‌عباس اول اصفهان را به پایتختی انتخاب می‌کند (۴: ص ۱۶).

همان‌طور که گفته شد، حدود چهار قرن پیش در سال ۱۰۰۶ هـ. ق اصفهان به‌عنوان پایتخت ایران انتخاب می‌شود و به یاری شاه عباس و همت علما و دانشمندان و معماران و هنرمندان، در کنار شهر قدیمی اصفهان که از دوران آل‌بویه و سلجوقیان باقی مانده است، اصفهان با نقشه جدید و طرح میدان نقش جهان و چهارباغ عباسی در جهت جنوب چهره‌ای تازه پیدا می‌کند.

توجه شاه عباس به امر آبادانی و توسعه و پیشرفت کشور باعث پیدایش شیوه خاصی با عنوان مکتب اصفهان در حوزه‌های مختلف علوم، هنر و اندیشه شد که با توجه به مکتب دارای خصایص مربوط به مکان، اندیشه و زمان خود می‌باشد. آقا رضا فرزند علی‌اصغر کاشانی معروف به رضا عباسی پایه‌گذار مکتب نقاشی اصفهان است.

حال با توجه به اینکه در نیمه دوم قرن دهم هجری پایه‌های مکتب نقاشی اصفهان به‌دست رضا عباسی و استادان مشهور او بنا می‌گردد و از طرفی شهر اصفهان مرکز توجه به فرهنگ و هنر

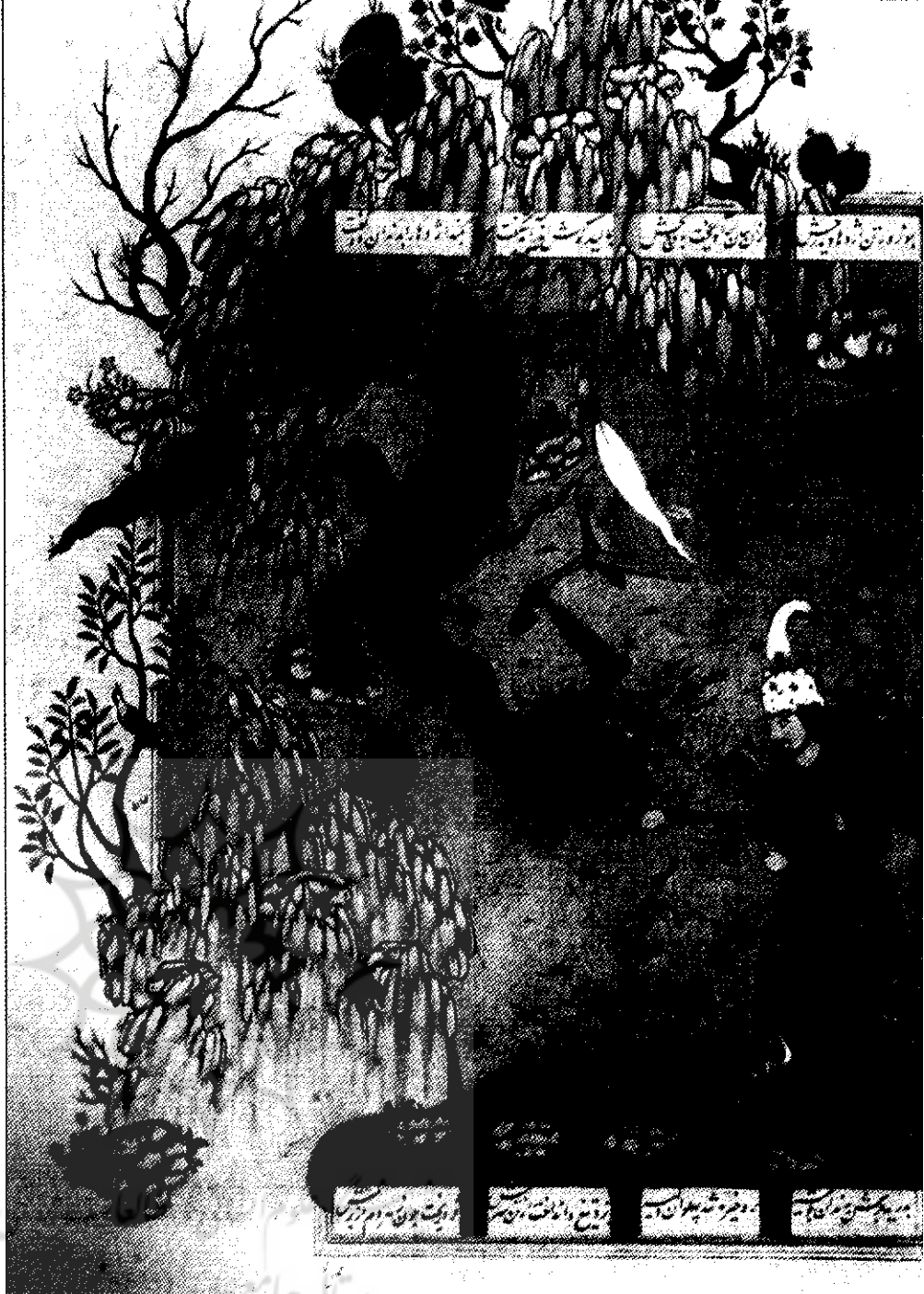
جمال حسن اصفهانی

ریخته‌گر و نقاش و خطاط صاحب قلمی بود که در اواخر قرن ۸ هـ. ق در خراسان زندگی می‌کرد، از آثار امضادار این استاد دوستکامی مفرغی هنرمندانه‌ای است که در مسجد جامع شهر هرات قرار گرفته و رقم دارد «عمل‌العبد حسن بن علی بن حسن ابن استاد علی صفاهانی المذكور به جمال الحسن ۷۶۶» (۵: ج ۲).

حبیب‌الله نقاش

«اصلش از ساوه بود و مدتی در قم کار می‌کرد. چون حسین‌خان شاملو حاکم قم مأمور هرات گردید، استاد حبیب‌الله را ملازم خود ساخت، به هرات برد و استاد در هرات به تکمیل فن نقاشی پرداخت. شاه‌عباس کبیر چون بر احوال وی اطلاع یافت او را از حسین‌خان شاملو گرفته به دارالسلطنه اصفهان آورد و در سلک نقاشان خاصه‌اش منخرط ساخت» (۱۱: ص ۳۰۳).

ابوالعلا سودآور به نقل از گلستان هنر در مورد او می‌گوید: «حبیب‌الله در سال ۱۰۰۴ هـ با حسین‌خان شاملو عزائم هرات و سپس در کتابخانه شاه عباس در اصفهان به‌کار مشغول شد.» (۶: ص ۲۲۳). قاضی میراحمد منشی قمی که خود نیز معاصر او بوده و در مشهد در دربار ابراهیم میرزا در کارگاه سلطنتی فعال بوده است در مورد او می‌گوید: «مولانا حبیب‌الله از ساوه است به‌غایت آدمی صفت و درویش است و در تصویر و شبیه‌کشی نظیر ندارد. از ساوه به قم آمده مدتی در قم به‌کار مشغول بود، از چربدستی و چابکی انگشت‌نمای جهان شده و در نقشبندی مقبول اهل زمان گشته روز به روز در ترقی است. نواب حسین‌خان شاملو حاکم دارالمؤمنین قم او را ملازم ساخته به هرات برد. نواب کامیاب سپهر رکاب او را از خسان گرفت حالا در دارالسلطنه اصفهان به خدمت سرکار همایون اشتغال دارد و در سلک نقاشان خاصه شریفه منخرط است» (۹: ص ۱۵۲-۱۵۱).



میر یحیی تبریزی

قاضی احمد منشی در گلستان هنر او را چنین معرفی می‌کند: «میر یحیی از سادات صحیح‌النسب دارالسلطنه تبریز و مذهب بی‌قرینه است، اصلش از حله بوده استاد عصر و به‌غایت آدمی صفت و درویش و نامراد است، همیشه به کسب اشتغال دارد، بعد از فترت رومیه شومیه و خرابی دارالسلطنه تبریز به عراق افتاد و مدتی در قزوین ساکن بود و اکنون چون دارالسلطنه، اصفهان شد در آن بلده طیبه ساکن است.» (۹: ص ۱۵۲).

شد و در زمان پادشاهی شاه سلطان محمد به منصب کتابداری (رئیس کتابخانه) سرفراز گشت و مورد تقد و عنایت گردید. در آغاز سلطنت شاه عباس همچنان این منصب و مقام را داشت و در خدمت شاه عباس کمال قرب و منزلت یافت تا آنکه علیرضا عباسی^۵ در حدود سال ۱۰۰۷ جبراً و قهراً این منصب را از او گرفت، لیکن تا آخر ایام حیات مواجب کتابداری از دیوان اعلی می‌گرفت» (۹: ص ۱۵۲) صادقی در سال ۱۰۱۷ هـ. ق از این جهان رفته است.

سید محمود اصفهانی

از نقاشان و خطاطان بزرگ اواسط قرن نهم هجری است. ثلث را شیرین و با سلیقه می‌نوشت و در کتابه عمارات نقاشی می‌کرد از این جهت به‌عنوان امضای نقاش شهرت داشت. نمونه خط او در کتیبه بقعه شهشهان اصفهان که در اول شوال ۸۵۰ هجری اتمام یافته را امضا کرده است: «کتیبه العبد سید محمود نقاش».

فضل‌الله (میر فضل‌الله)

از سادات محترم حسینی بود و در ترسیم تابلوهای بزرگ مذهبی و شمایل‌های اسلامی تبحر فراوان داشت. شیوه کار او نشان می‌دهد که در اواخر قرن ۱۳ ه. ق حیات داشته است. نمونه آثار او با مضمون عاشورا در ابعاد بزرگ با رقم «اقل السادات الحسینی میرزا فضل‌الله» می‌باشد (۸: ص ۵۱۵).

فضل‌علی (شاگرد معین مصور)

این نقاش همان‌طور که شاگرد معین مصور از پیروان سبک رضا عباسی در نیمه دوم قرن یازدهم بوده است، وفادار سبک استاد خود بوده و شیوه او را دنبال نموده است او آثار خود را با ارقام «رقم کمینه فضل‌علی» و یا با سجع «ز عصیان امیدم به فضل علی است» امضا می‌نموده است.

تعدادی از آثار او در نسخه شاهنامه موزه متروپولیتن وجود دارد که به سال ۱۰۷۹ ه. ق و به خط ابن شمس‌الدین شیخ محمد تهیه شده است، این نسخه با همکاری نقاشان معروف آن زمان «محمد زمان، علی‌نقی بن شیخ عباسی و پیرییک غلام (آقا نوریان) مصور شده و هیچ‌جا اثر رقم‌دار از فضل‌علی دارد که بین سالهای ۱۱۰۴ تا ۱۱۰۹ نقاشی شده است (۸: ص ۵۱۷).

محمد (حاجی محمدبن حاج یوسف قمی) در اصل او قمی است و کوچکترین فرزند حاج یوسف قمی و برادر محمد

زمان، نام اصلی او محمدابراهیم بوده ولی پس از تشرف به مکه مکرمه با نام حاجی محمد معروف شده، او در اواخر قرن یازدهم به دارالسلطنه اصفهان می‌پیوندد. در یک قلمدان که تلفیق خط و تذهیب را در یکجا نمایان ساخته است و در حال حاضر در موزه آرمیتاژ لنینگراد نگهداری می‌شود، چنین امضا نموده است: «به تاریخ شهر رجب‌المرجب ۱۰۹۲ در دارالسلطنه اصفهان به رقم کمترین این آستان دارا دربان ملانک آشیان ابن حاجی یوسف محمد ابراهیم قمی اتمام یافت» همچنین در بیشتر آثار او با نام حاجی محمد رقم می‌نموده است.

محمدبن ابی‌بکر اصفهانی

اهل اصفهان و طراح نقوش و ترسیمات هندی، بر روی فلزات بود و عموماً اسطراب می‌ساخت. از آثار امضادار این هنرمند که به نقوش اسلیمی و سایر تزیینات دیگر، به نقش در آمده و اجزاء و اسماء سماوی آن به خطوط کوفی کتابت شده، اسطراب ارزنده‌ای است که در حدود قرن هفتم هجری قمری پایان یافته و رقم «صنعه محمدبن ابی‌بکر بن محمد الراشدی الابری الاصفهانی» دارد (۸: ص ۶۱۸).

محمد اصفهانی

آبرنگ‌ساز قوی پنجه‌ای است، این استاد در شبیه‌سازی و نقطه‌پردازی، به شیوه استاد صنیع‌الملک شیرین دست بود و البسه و تزیینات و سایر نکات مشخصه تصویر را به دقت و وسواس تمام تصویر می‌نمود.

محمد اصفهانی (نقاش صفوی)

«هنرمند دیگری به نام میرزا محمد اصفهانی است که در دستگاه شاه اسماعیل اول صفوی نقش تصویر می‌ساخته است. این هنرمند در دستگاه امیر علیشیر نوایی (مرگ ۹۰۶ ه. ق) فعالیت داشته و به شغل نقاشی و مهندسی ایفای وظیفه می‌نموده است.» (۸: ص ۶۲۰).

محمد اسماعیل اصفهانی

تکنیک نقاشی او آبرنگ است، ظاهراً چندان مهارت لازم را نداشته، گمنامی او شاید به همین دلیل باشد. یکی از آثار او در موزه هنرهای تزیینی تهران چنین رقم‌دار: «فرمایش عالیجاه محمدابراهیم تفنگ‌دار. رقم کمترین محمد اسماعیل اصفهانی سنه ۱۲۶۹».

محمد امامی حسینی (سید محمد)

علاوه بر نقاشی در کارهای روغنی از قبیل قاب آینه و قلمدان و انواع جلدها ذوق هنرمندانه داشت. اوج فعالیت‌های هنری محمد امامی حسینی در نیمه دوم قرن سیزدهم هجری (۱۲۸۰-۱۲۶۰ ه. ق) می‌باشد. رقم‌های او عبارت‌اند از:

«در اصفهان در کارخانه جناب آقای سید محمد ۱۲۷۲»

«رقم کمترین سید محمد ۱۲۸۰»

«عمل سید محمد امامی»

«رقم سید محمد اصفهانی»

محمد امین

نظر به اینکه سبک کار او مکتب اصفهان است، در اواخر قرن یازدهم هجری در اصفهان فعال بوده است. اما بی‌مایگی آثار او زمینه شهرت او را مهیا نساخته، لذا اطلاعات کافی از او در دست نیست.

محمد امین ابن محمد مؤمن اصفهانی

محمد امین بیشتر نقاش و طراح کاشی بوده است، در کاشیکاری ایوان غربی مسجد جامع اصفهان که در دوره شاه حسین صفوی تزیین شده (صفه استاد که در ایوان غربی مسجد جمعه قرار دارد و اصل بنای اولیه‌اش در دوران سلجوقی به عهد فرجام رسیده، با تزیینات دوران صفویه تکامل یافته و ۱۲ ه. ق را این استاد به عهده داشته است.) رقم نقاش دیده می‌شود.

«عمل ابن محمد مؤمن محمد امین»

«عمل ذره بیمقدار ابن محمد مومن»

«محمد امین قبا اصفهانی»

(۸: ص ۶۵۴)

اصفهان قلمدان‌سازی می‌کرد و اغلب حواشی و اطراف آن را نقاشی و تذهیب می‌نمود.» (۵: ص ۶۶۴). او در ۷۰ سالگی از دنیا می‌رود (۱۲۵۳-۱۲۸۳ ه. ق)

محمدتقی بن شفیع عباسی

فرزند شفیع عباسی که در نیمه دوم قرن یازدهم هجری از شاگردان رضا عباسی بوده او به تدریج از سبک نقاشی اصفهان که پدرش ادامه می‌داد طبق روال معمول جذب شیوه زمان یعنی سبک محمد زمان می‌شود. با رقم «محمدتقی بن شفیع عباسی» امضا می‌کرد.

محمدجعفر امامی

از خانواده امامی بود. در حوزه گل و مرغ و کارهای روغنی فعال بوده است. او در یک جلد روغنی که در مجموعه دکتر ناصر خلیلی قرار دارد، چنین رقم نموده است: «فی سنه ۱۲۳۲ من الهجرة المقدسه، راقمه محمدجعفر الامامی.»

محمدحسن (نقاشی اصفهانی)

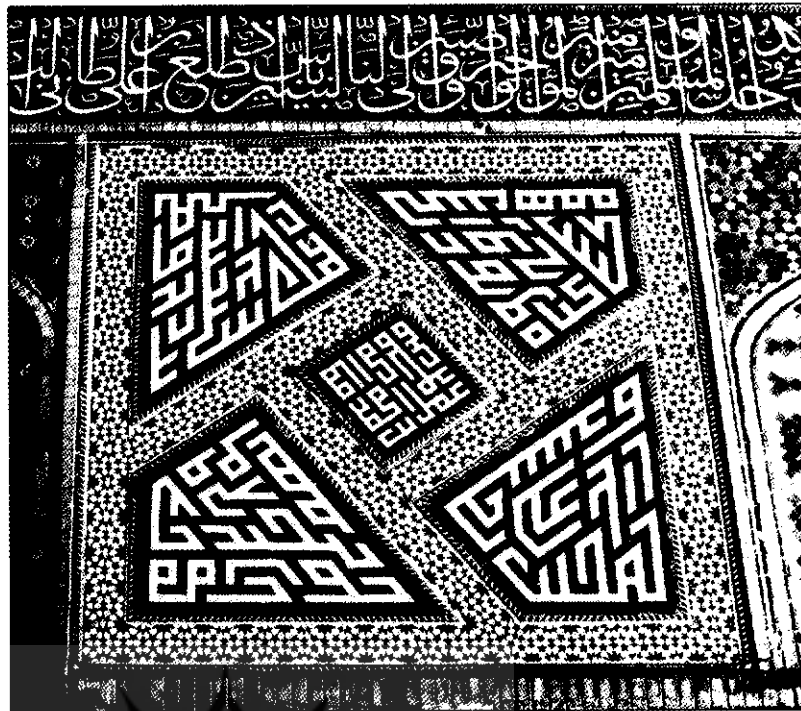
در قرن سیزدهم هجری در اصفهان کارگاه داشته و مشغول تهیه آثار مردمی بوده است. در آثار او دقت چندان نیست و خیلی ساده نقاشی می‌کرد.

محمدحسین امامی اصفهانی

به حدس کریم‌زاده تبریزی «او فرزند میرزا نصرالله امامی نقاشیانی دوران ناصری است، همچنین او معتقد است فرزند همانا میرزا آقا امامی (محمد مهدی) است که به سال ۱۳۳۴ شمسی در ۷۵ سالگی از دنیا می‌رود.» (۸: ص ۷۰۲) او با سجع «یا ابا عبدالحسین» رقم می‌کرده است. در مواردی نیز «محمدحسین اصفهانی» رقم می‌کرده است.

محمد رضا امامی

از خاندان امامی است که در قرن سیزدهم هجری در زمینه گل و مرغ و آثار لاک‌ی فعال بوده است. بعضی از آثار او بسا سجع «رقم محمدرضا اصفهانی ۱۲۸۹» رقم کرده است.



کتابخانه آستان قدس در مسجد جامع اصفهان
عمل محمدامین ابن محمد مؤمن اصفهانی

محمدباقر اصفهانی (یا باقرالعلوم)

محمدباقر اصفهانی که با سجع یا باقرالعلوم شناخته می‌شود. فرزند محمدعلی از نقاشان پرآوازه عهد زندیه (۱۱۹۲-۱۱۶۴ ه. ق) در اصفهان است که به آقا باقر شهرت داشته است. اما با رقم‌های متفاوتی مثل: «باقر»، «محمدباقر» یا «امام محمدباقر» یا «باقرالعلوم»، «باقر از بعد علی اشرف شد» و «کمترین آقا باقر»، و نیز «باقر از عبد علی اشرف شد» نشان می‌دهد که شاگرد علی اشرف نقاش این دوره بوده است.

محمدباقر الامامی حسینی

محمدباقر بیشتر به نقاشی گل و مرغ پرداخته آثار او سبک و سیاق نقاشی گل و مرغ دوره قاجار در قرن سیزدهم هجری قمری را دارد. از آثار گل و مرغ او شاخه گل سرخ با رقم «محمدباقر الامامی الحسینی ۱۲۷۲» است.

محمدباقر سمیرمی

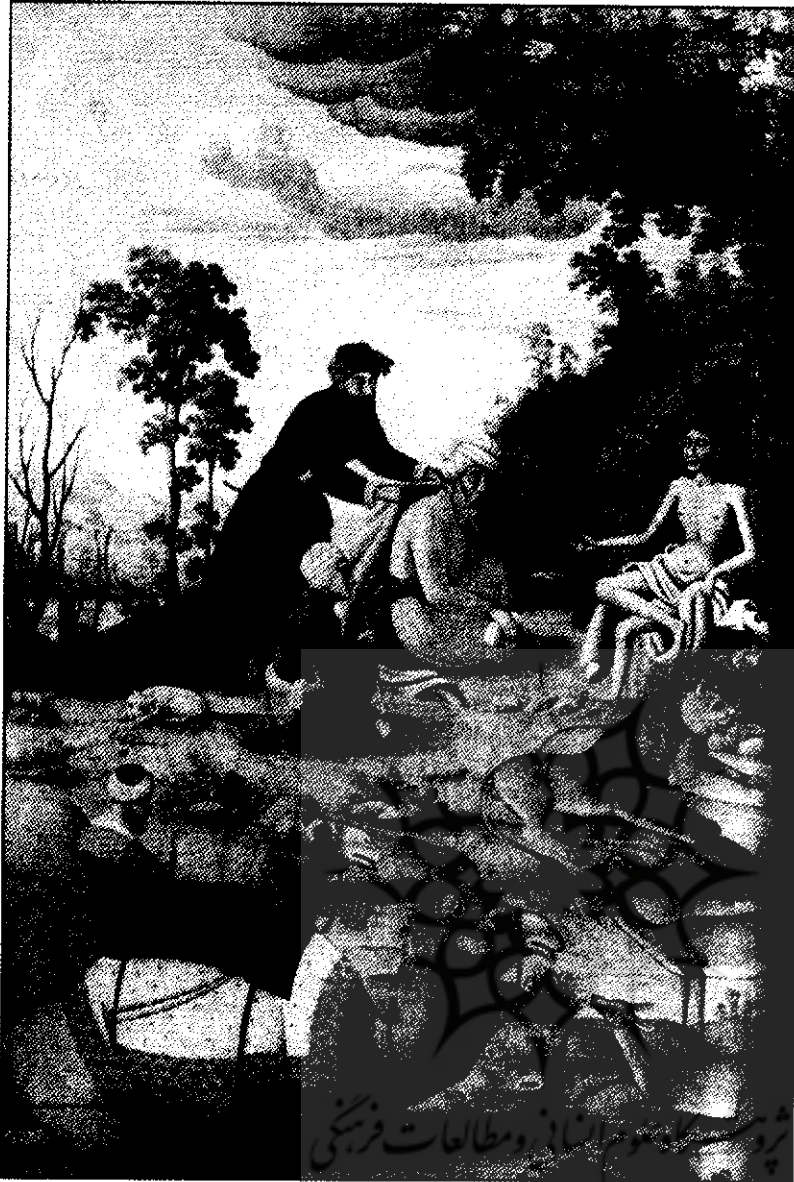
در روستای دهنو مبارکه که در گذشته از توابع سمیرم سفلی بود به دنیا آمده، «مرحوم اسلامیان که از قول پدرش روایت می‌کرد که، مرحوم پدرم در

محمدباقر شاگرد رضا عباسی

فرزند و یا شاگرد بسیار نزدیک رضا عباسی، در دو اثر به‌جا مانده با ذکر جسملانی مانند «فرزندی اغری محمدباقر» و یا «هو، فرزندی محمدباقر آنچه سفارش کردم مبدا از خاطر محو شود که عذر مستمع نیت انشاءالله و تعالی، رقم کمینه رضا عباسی» به او نصیحت و یا سفارش خاصی نموده و همچنین او را عزیز و گرانمایه داشته. از قرار معلوم طبق یادداشت رضا عباسی در این اثر معلوم می‌گردد که در قرن یازدهم هجری در اصفهان فعال بوده است (۸: ص ۶۵۵).

محمدباقر (نقاش و قاطع)

با محمدباقر عصر شاه عباس اول متفاوت است. او در دوره ناصرالدین فعال بود. علاوه بر نقاشی، قطاعی هم کار می‌کرده است «از آثار قطاعی وی، منظره درخت رنگین و پرشاخه و برگی بود که به استادی و نازک قلمی، قطاعی شده و با سفیداب رقم گذاشته بود. محمدباقر ۱۲۶۲» (۸: ص ۶۵۸).



محمدزمان

از قرن یازدهم هجری به بعد نقاشان متعددی فعال بوده‌اند که با نام «محمدزمان» و «یا صاحب‌الزمان» رقم می‌نموده‌اند. عمده این نقاشان در اصفهان فعالیت می‌کرده‌اند.

۱- محمد زمان اول: پسر حاجی یوسف قمی است که از سال ۱۱۱۱-۱۰۷۰ ه. ق. در خدمت سه پادشاه صفوی (شاه عباس دوم، شاه سلیمان و شاه سلطان حسین) عموماً با رقم‌هایی همچون: «زمان»، «محمدزمان»، «یا صاحب‌الزمان»، «کمترین بن حاجی یوسف قمی» و «به امر سلیمان زمان زد رقم را» امضا می‌کرده است.

۲- محمدزمان دوم: اولین سالهای ۱۱۲۶-۱۱۲۵ ه. ق. فعال بوده است. کریم‌زاده تبریزی معتقد است: اسم اصلی او ممکن است محمدزمان و یا آقازمان و یا محمدمهدی و یا مهدی باشد. آثار رقم‌دار او در قلمدان‌ها و آثار روغنی مربوط به نیمه اول قرن دوازدهم هجری است.

۳- محمدزمان سوم: به شیوه زند و قاجار نقاشی می‌کرده است. آثار او رقم سالهای اواخر قرن دوازدهم و اوایل قرن سیزدهم را دارد (۱۲۱۰-۱۱۷۲ ه. ق.) محمدزمان چهارم و پنجم: که دوران فعالیت آنها با سجع یا صاحب‌الزمان مشترک می‌باشد، بین سالهای ۱۲۴۲-۱۰۷۰ ه. ق. فعال بوده‌اند.

برخلاف نظر بعضی از محققان خارجی و ایرانی (۵/ ۱۲/ ۱۳) که در حدود یک قرن گذشته در مورد محمد زمان نقل نموده‌اند که او به ایتالیا رفته و تسخیر مذهب داده است، کریم‌زاده تبریزی معتقد است که او به هیچ وجه به رُم نرفته و شیوه نقاشی اروپایی را از نقاشانی که در عهد او در دربار صفویه در اصفهان فعال بوده‌اند آموخته است (حدوداً در سالهای ۱۰۵۲ ه. ق. متولد می‌شود و حدود سال ۱۱۱۱ ه. ق. در ۵۷ سالگی از دنیا می‌رود). «از جمله نقاشان اروپایی که در دوره جوانی محمدزمان اول در اصفهان بودند

با آثار و روش کار آنها در اصفهان از باسمه‌ها و آثار نقاشی اروپایی که به واسطه رفت و آمد شعرا، بازرگانان و مسافران به ایران می‌آمد، آشنایی پیدا کرده و تحت تأثیر این دو منبع مهم به تقلید و تأثیرپذیری از نقاشی اروپا به نقاشی ادامه می‌دهد که با زمینه‌های ایجاد شده و علاقه پادشاهان در محمدزمان شیوه فرنگی‌سازی در نقاشی ایران باب و مرسوم می‌گردد، هر چند این شیوه از سالهای قبل توسط رضا عباسی و شاگردان او تا حدودی باب شده بود، اما محمدزمان آن شیوه را به اوج می‌رساند.

و محمدزمان با آنها مراوده داشته و همکاری می‌نموده است. فیلیپ و آنجل می‌باشند که در دوره شاه‌عباس اول در ایران بودند. همچنین لوکار از دیگر نقاشان خارجی می‌باشد که از طرف نماینده شرکت هلندی در زمان شاه‌عباس دوم به کار گماشته شده‌اند و مأمور نقاشی از چهره و اندام سفرا و اروپاییان مشهور در کاخ چهلستون و عالی‌قاپو می‌شوند. همین‌طور جان وان هلست و جوست لامپ نقاشان هلندی بودند که در قرن ۱۷ میلادی در اصفهان زندگی می‌کردند.» (۸ ص ۷۴۷). محمدزمان ضمن مراوده و آشنایی

پس از فوت رضا عباسی لقب عباسی به شفیع محمد اعطا می‌کرده علاوه بر مهر «محمد شد شفیع دو عالم» با رقم کمینه شفیع عباسی امضا می‌کرد.

محمد صادق امامی

خاندان امامی از سادات اصیل و قدیمی اصفهان هستند که صاحب سبک خاص نقاشی می‌باشند. محمدصادق نیز برادر نصرالله امامی نقاش معروف قرون سیزده و چهارده هـ. ق در اصفهان است که به سبک و سیاق برادرش یعنی گل و مرغ و لاکی فعال بوده است. او عموماً با سجع «رقم محمدصادقی امامی» امضا می‌کرده است.

محمد طاهر

از نقاشان گمنام شیوه رضا عباسی و معین مصور بود. احتمالاً آخرین فرزند سلطان محمد نقاش است که در سال ۱۰۰۲ در بقعه اسماعیل زین‌العابدین اردبیل در زمان شاه‌عباس اول نقاشی کرده است.

محمد قدیمی اصفهانی

«مولانا محمد قدیمی از نقاشان شهر هرات است که در عصر سلطان حسین و امیرعلی شیر نوایی (۹۰۶-۸۲۴ هـ. ق) زندگی می‌کرده است و اصلاً اصفهانی بوده و در مکتب هرات تربیت یافته است. غیاث‌الدین خوانسار میر، در خلاصه الاخبار او را به نام محمد اصفهانی معرفی کرده است و می‌گوید که وی نیز مانند حاجی محمد هروی، صندوق ساعتی اختراع نموده و طاسی در آن صندوق تعبیه نموده که از آن طاس دقایق و ساعات روز و شب معلوم می‌شده است.» (۸: ص ۹۰۶).

محمدعلی

محمدعلی منصوربن ملک حسین اصفهانی از نقاشان اواسط قرن یازدهم هجری که به سبک رضا عباسی نقاشی می‌کرد. فرزند ملک حسین اصفهانی بوده است. «محمدعلی» یا «کمینه محمدعلی» از نمونه رقم‌های او است.



محمد شفیع اصفهانی

محمد شفیع یا شفیع عباسی از شاگردان سبک رضا عباسی که در طراحی از گل و بوته و مرغ بیشترین فعالیت را می‌کند و به عبارتی ابداع‌کننده نقاشی گل و مرغ می‌گردد. او در دربار شاه صفی (۱۰۵۲-۱۰۳۸ هـ. ق) و شاه عباس دوم (۱۰۷۷-۱۰۵۲) فعال بوده است. دوران جوانی را نزد رضا عباسی در عهد شاه عباس اول سپری می‌کند. در زمان توسعه صنعتی

در اصفهان (کارخانه نساجی) او برای این کارخانه‌ها طراحی پارچه نیز می‌کرده است. همچنین در طراحی برای کارگاههای کاشی‌پزی نیز مهارت داشت. از پیروان و شاگردان رضا عباسی، و در نیمه دوم قرن یازدهم هجری فعال بوده است. علاوه بر پیکره‌نگاری، گل و مرغ نیز نقاشی می‌کرده است. نام اصلی وی محمد شفیع بوده، ظاهراً در اواخر سلطنت شاه‌عباس اول لقب عباسی را دریافت می‌کند. یا به عبارتی



معین مصور (آقا معینا)

معین مصور از شاگردان با وفای رضا عباسی است که شیوه او را ادامه داد. او در قرن یازدهم هجری فعال بوده است. از نقاشانی است که با ذکر توضیحات در مورد نقاشی اسناد معتبری از خود بر جای گذاشته و حتی گزارش از وضع موجود زمان خود را در اختیار می‌گذارد. از جمله نگاره حمله شیر غران به شاکرد بقال. او رقم‌های خود را عموماً با «ز توفیق صانع رقم زد معین»، «رقم زد توفیق صانع معین»، «رقم زد کمینه معین مصور»، «به نصرت رقم زد معین مصور» متمایز کرده است.

هنرمند که در یکی از موزه‌های اورشلیم قرار دارد، قلمدان هنزی و فلزی استادانه‌ای است که در روی دو دماغه طرفین آن، نقوش زیبای اسلیمی که از چنگ و پیچک ختایی تشکیل شده و طرح قرینه‌ای دارد. امضای «مسعودبن حمیدبن محمود الاضطرابی الاصفهانی سنه ۵۸۱» حک شده است (۹: ص ۱۱۲۸).

مصطفی اصفهانی

نقاش گل و مرغ و قلمدان که در قرن سیزدهم هجری قمری زندگی می‌کرده است. او رقم خود را به صورت «رقم کسرتین مصطفی اصفهانی» امضا می‌کرده است.

محمدقاسم (مصور تبریزی)

محمدقاسم زادگاهش تبریز بود. ظاهراً در اواخر قرن دهم هجری به اصفهان مهاجرت می‌کند. شیوه آثار او با رضا عباسی تشابهاتی دارد. گویا با او همکار بوده است.

«در عریضه ملتسمانه‌ای که در سنین جوانی و در بطن یکی از کارهای تقدیمی خود، به یکی از خوانین عظیم‌الشان درباری نوشته، رجوع خدمتی را خواستار گشته و به دنبال کسب نسام و شهرت، در تکاپو بوده است.» (۸: ص ۱۰۶۲) احتمالاً این نقاش در نقاشی‌های چهلستون نیز مشارکت داشته است. کوههای موج و خطی با آسمان‌سازی‌های اروپایی از ویژگی‌های آثار او است. آثار او با رقم‌هایی همچون «رقم کمترین محمدقاسم مصور»، «رقم کمینه خاکسار محمدقاسم تبریزی»، «کمترین بندگان دعاگو محمدقاسم مصور»، «عمل محمدقاسم» باقی مانده است.

محمدیوسف الحسینی

از شاگردان رضا عباسی است. در قرن یازدهم هجری فعال بوده است. به نظر کریم‌زاده تبریزی قسمتی از آثار کاخ چهلستون اصفهان مربوط به این نقاش است. این نقاش با رقم‌های گوناگونی که در این عصر در نزد نقاشان مرسوم بوده با نام‌هایی همچون: محمد یوسف الحسینی، محمدیوسف عباسی، میریوسف، محمد یوسف، محمدیوسف مصور امضا می‌کرده است.

محمود نعمت‌اللهی

میرزا محمود نعمت‌اللهی فرزند آقا ابراهیم نقاشباشی است که در اواسط قرن چهاردهم هجری ق. فعال بوده است.

مسعودبن حمیدبن

محمود الاضطرابی الاصفهانی

از نگارگران تیزقلم روی فلزات سخت که در قرن ششم هجری می‌زیسته است. تنها یادگار امضا و تاریخ‌دار این

ملک حسین اصفهانی

ملک حسین نیز از نقاشان مکتب اصفهان است که در قرن یازدهم هجری در اصفهان شکل گرفت. فرزند او محمدعلی مصور یکی دیگر از نقاشان اصفهان است.

میرزا آقا امامی (محمد مهدی)

نام اصلی اش محمد مهدی بود، به میرزا آقا امامی نقاشباشی شهرت داشت. او از سلسله سادات امامی اصفهان بود. پدر میرزا آقا امامی سید حسین نام داشت و جد بزرگوارش همان میرزا نصرالله امامی نقاشباشی است که در دوره ناصری از اعظم نقاشان به شمار می آمد.

بانو زینت‌السادات امامی که هم‌اکنون در قید حیات است و به تکنیک سوخت نیز تسلط دارد، از فرزندان میرزا آقا امامی است. یکی از شاگردان معروف و موفق استاد امامی، محمود فرشرشچیان در عسصر حاضر از پیشکسوتان عرصه نگارگری است. مرحوم میرزا آقا امامی در شانزدهم آذرماه ۱۳۳۴ شمسی در ۷۵ سالگی در شهر اصفهان بدرود حیات گفت.

میرزا بابا حسینی‌الامامی اصفهانی

این هنرمند نقاش را با میرزا بابای شیرازی که اهل شیراز بوده و تقریباً هم‌عصر هم بوده‌اند نباید اشتباه کرد. او از خانواده امامی‌ها در اصفهان است. آثار او به سبک قاجار عموماً مربوط به اواخر قرن سیزدهم هجری قمری است که با رقم «کمترین میرزا باباالحسینی» امضا می‌نموده است.

میرزا علی اصفهانی

در چهره‌نگاری با اسلوب‌پرداز چیره‌دست بود. او چهره‌ها، جاسگان و اشیاء را با دقتی عکس‌گونه باز‌نمایی می‌کرد. از جمله آثارش تک‌چهره محمدصادق حسینی [قائم مقام اصفهانی] ۱۳۲۲ ه.ق.

میرزا باقر اصفهانی

میرزا باقر نیز از نقاشان قرن سیزدهم هجری است که در حوزه قلمدان‌سازی فعال بوده است.

میرزا محمد اصفهانی

«اهل اصفهان بوده و در کارگاه هنری کتابخانه شاه طهماسب صفوی (۹۸۴-۹۳۰ ه.ق) به خلق تصاویر زیبا اشتغال داشت. و به روایتی این هنرمند، شاگرد استاد عبدالعزیز بوده و از شیوه آن استاد پیروی می‌نموده است. از آثار منسوب این هنرمند، گویا در شاهنامه شاه طهماسبی که به سال ۹۳۴ ه.ق. مصور شده مضبوط است که فاقد امضا و تاریخ است.» (۸: ص ۱۲۰۸).

میر سید محمد نقاش اصفهانی

از هنرمندان مکتب نقاشی اصفهان که به سبک رضا عباسی کار کرده است. «پرنده‌ساز و جانورپرداز اصفهانی در اواخر قرن ۱۱ ه.ق» (۸: ص ۱۳۳۲) او «بندۀ درگاه فلک بارگاه نواب‌خان احمدالحسینی - میر سید محمد نقاش» امضا می‌کرده است.

جلال‌الدین میرک‌الحسینی اصفهانی

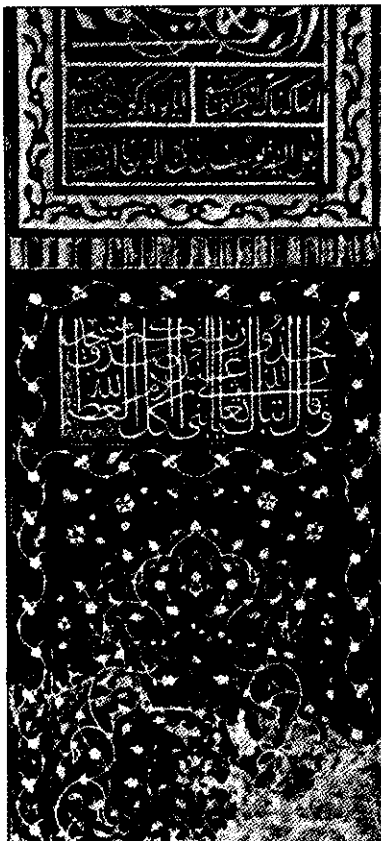
جلال‌الدین میرک اصفهانی معروف به آقامیرک با روح‌الله میرک تفاوت دارد. جلال‌الدین میرک از سادات اصفهان بوده و در تبریز به دربار شاه طهماسب اول راه یافت. ظاهراً او نزد کمال‌الدین بهزاد شاگردی کرده و شیوه او را در نقاشی ادامه داده است. قاضی میراحمد منشی قمی در گلستان هنر، در مورد او می‌نویسد: «آقامیرک نقاش از سادات دارالسلطنه اصفهان بود. در طراحی قرینه خود نداشت. آخر کرک یراق آن خسرو آفساق گشت و بیشتر در دارالسلطنه تبریز به‌سر می‌برد. نقاش بی‌بدل و هنرمند ارجمند و عاشق‌پیشه و لوند و مصاحب و مرد خردمند بود» (۲: ص ۳۲).

میناس نقاشی ارمنی

از هنرمندان ارمنی مقیم جلفای اصفهان بود که در نقاشیهای رنگ و روغن متبحر بود. لئون میناسیان در مورد او می‌گوید: «نقاش میناس یکی از هنرمندان قرن ۱۷ میلادی که در جلفای اصفهان متولد شده و در سنین کودکی به شهر حلب و سوریه می‌رود و در محضر یک نقاش اروپایی نقاشی آموخته و به جلفا برمی‌گردد.» (۱۰: ص ۲۹).

نجف‌علی نقاشباشی اصفهانی

«آقا نجف‌علی نقاشباشی اصفهانی معروف به آقانجف در اوایل قرن سیزدهم هجری در اصفهان به دنیا آمد. استادان مستقیم او چندان معلوم نیست، ولی او از نقاشان معروف گذشته از جمله محمد زمان و حتی نقاشان خارجی مقیم اصفهان یا به‌طور مستقیم یا کپی‌برداری از آثار آنان سود برده است.» (۸: ص ۱۳۶۸)



نصرالله الحسینی الامامی نقاشباشی
 نقاش آثار گل و مرغ و آثار روغنی او آخر
 قرن سیزدهم فرزندان میرزا محمدحسین
 امامی از خاندان امامی اصفهان می باشد.
 در اوخر قرن سیزدهم هجری قمری لقب
 نقاشباشی را از ناصرالدین شاه قاجار و
 یا ظل السلطان حاکم اصفهان گرفته است.
 خانواده هنرمند امامی عبارت اند از:
 ابوالقاسم، جواد، غلامرضا امامی و
 محمد امامی حسینی، محمدباقر،
 محمدتقی، محمدحسین، محمدرضا،
 محمدصادق، محمدعلی، محمدمهدی،
 مصطفی، نصرالله امامی و
 هاشم الحسینی اصفهانی امامی.

هادی تجویدی

هادی تجویدی در سال ۱۲۷۲ شمسی
 در یک خانواده هنرمند به دنیا آمد.
 پدرش مرحوم محمد علی سلطان الکتاب
 خوشنویس، بعضی از فنون هنری را به
 او آموخت. او نزد آقامیرزا احمد و
 استاد آقا محمدابراهیم نعمت‌اللهی
 فنون نقاشی را فرا گرفت تا در کارگاه
 آقا میرزا احمد با حاج مصورالملکی
 آشنا شد و در سال ۱۲۹۵ شمسی به
 همراه آقامحمد ابراهیم نقاشباشی
 برای افتتاح کارگاهی در مجمع‌الصنایع
 تهران به این شهر سفر کرد. او در
 تاریخ ۲۱ اسفندماه سال ۱۳۱۸ شمسی
 دار قسانی را وداع گفت. تابلو نیم‌رخ
 رضاشاه به سال ۱۳۰۹ شمسی و
 تصویر محمدرضا شاه در زمان
 ولیعهدی با لباس شیروی دریایی به
 سال ۱۳۱۳ از آثار او است.

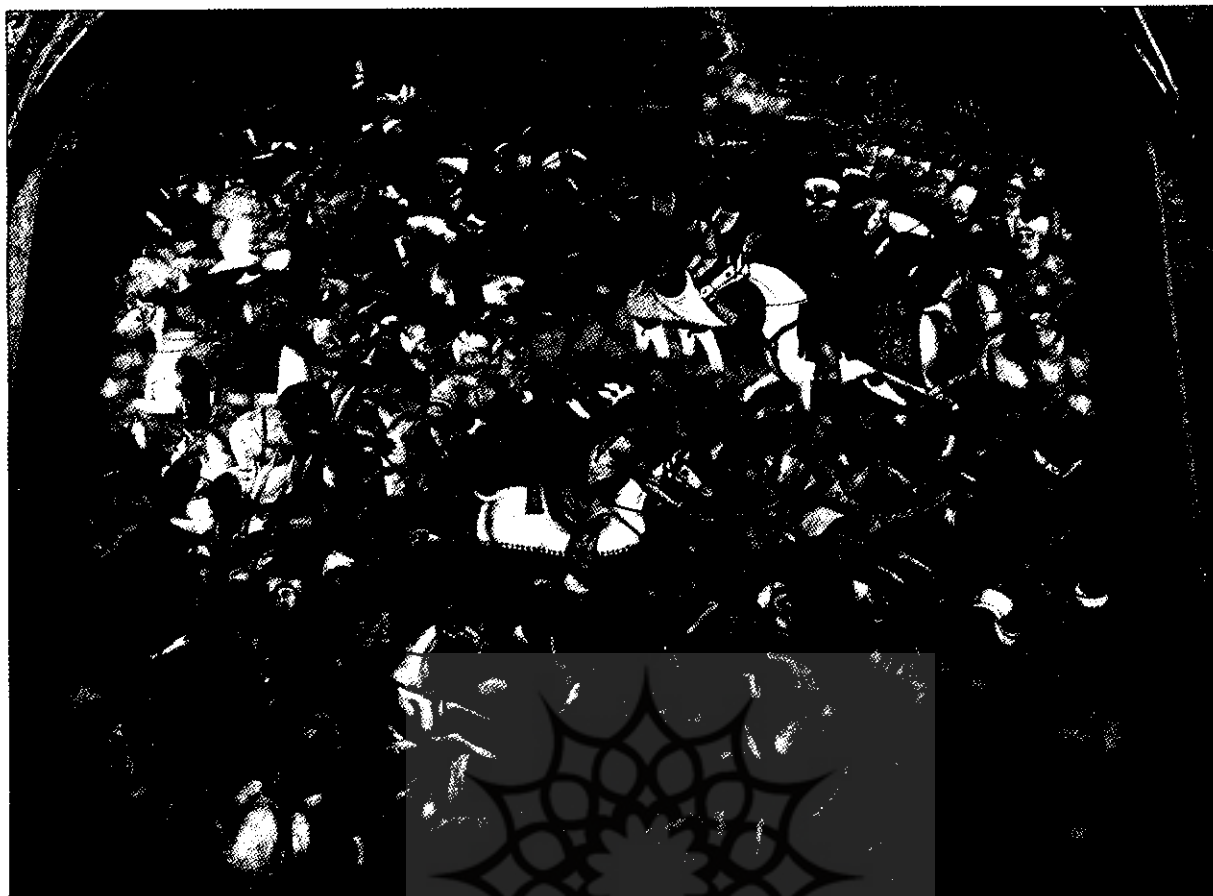
یوسفین تاج‌الدین بنا اصفهانی

ظاهراً علاوه بر اینکه بنا بوده است، طراح
 نقوش و تزیینات معماری هم بوده است.
 از جمله بعضی از نقوش مسجد جامع
 اصفهان به امضای این استاد است.
 آنها که خاک را به نظر کیمیا کنند
 آیا بود که گوشه چشمی به ما کنند
 «بعمال الفقیر یوسف بن تاج‌الدین بنا
 اصفهانی» که تاریخ ۹۳۸ هـ. ق را دارد.
 (ص ۱۲۳۱).



نام او را رضا انتخاب می‌کند. او در
 سال ۹۹۶ هـ. ق به کارگاه شاه‌عباس
 اول می‌پیوندد و در سال ۱۰۲۸ هـ ق از
 دنیا می‌رود و معلوم نیست در کجا به
 خاک سپرده می‌شود. سبک او مورد
 توجه زمان قرار می‌گیرد و پیروان
 زیادی پیدا می‌کند که تحت عنوان مکتب
 نقاشی اصفهان شناخته می‌شود.

آقارضا معروف به رضا عباسی
 از هنرمندان مشهور و بنیانگذار مکتب
 نقاشی اصفهان در عصر شاه‌عباس اول
 است. در حدود سال ۹۷۰ هـ ق در مشهد
 در دربار ابراهیم میرزا متولد می‌شود.
 پدرش علی اصغر کاشانی (که از
 کاشان به کارگاه سلطنتی پیوسته بود)
 به احترام امام هشتم حضرت رضا،



آقا صادق

در عرصه نقاشی در قرنهای سیزده و چهاردهم هجری قمری دو نقاش هم‌نام فعال بوده‌اند. آقا صادق اول که حدود سالهای ۱۱۷۸-۱۱۲۱ فعال بوده سجع «یا صادق الوعد» و «صادق از لطف علی اشرف شده» امضا می‌کرده که یکی از شاگردان معروف علی اشرف بوده است. «پرده‌های جنگ چالدران و جنگ کرنال در کاخ چهلستون اصفهان با امضای یا صادق الوعد به سبک فرنگی از آثار او است (۲: ص ۲۱-۵۲۱).

شیخ وردی

نقاش گمنامی از اهالی اصفهان است که در سنوات ۸۱۶ هـ. ق می‌زیسته، تنها اثری که از او به جا مانده نسخه‌ای مصور است که برای اسکندر سلطان ابن عمر شیخ به سال ۸۱۶ هـ. ق کتابت و مصور شده، در یکی از صفحات این نسخه در گوشه پایین راست رقم نهاده

جنگ چالدران (تالار اصلی چهلستون) اثر آقا صادق

«کار شیخ وردی» این اثر در موزه توپ‌قاپی سرای استانبول نگهداری می‌شود (۸: ص ۱۲۶۵).

آنژل - نقاش هلندی مقیم اصفهان

نقاش هلندی که مدتها در اصفهان دربار شاه‌عباس دوم به همراه لوکار نمایندگان شرکت هلندی به دربار شاه‌عباس دوم راه یافتند. از آثار آنها به حدس یقین در ایوان شمالی کاخ چهلستون اصفهان می‌توان نام برد که با رنگ و روغن روی گچ اجرا شده است.

ابوالحسن

ابوالحسن فرزند آقارضا جهانگیری است که با پدرش به هندوستان سفر می‌کند و در دربار هند از نقاشان معروف می‌گردد. در نیمه دوم قرن یازدهم هجری فعال بوده است.

افضل الحسینی (میرافضل، افضل تونی)

افضل الحسینی از شاگردان رضا عباسی و از نقاشان کارگاه شاه‌عباس اول و شاه‌عباس دوم است. اوج هنری او در نیمه دوم قرن یازدهم هجری است. گاهی به تقلید از باسمه‌های اروپا نقاشی‌های نیمه عریان به سبک رضا عباسی نقاشی کرده است. امضای رقم کمینه میرافضل تونی یا رقم افضل الحسینی از امضاهای او است (۲: ص ۳۲).

آقا ابراهیم نقاشباشی

آقا ابراهیم از نقاشان روغنی که در اواخر قرن سیزدهم و اوایل قرن چهاردهم هجری قمری فعال بوده است. ظاهراً از هنرمندانی است که به روسیه برای آموزش فنون نقاشی سفر می‌کند، نقاشی با رنگ و روغن را آموزش می‌بیند و عموماً روی قلمدان، جلد‌ها و قاب آینه نقاشی نموده است.

احمدبن آقاجفعلی اصفهانی

از نقاشان اواخر قرن سیزدهم و اوایل قرن چهاردهم هجری فرزند آقاجفعلی نقاشباشی اصفهانی است. نقاشی گل و مرغ و قلمدان‌های روغنی عهد قاجار.

جمال‌الدین اصفهانی

اولین چهره‌پرداز و نقاش ایرانی اهل اصفهان. راوندی در کتاب *راحة الصدور و آية السرور* به سال ۵۹۹ ه. ق می‌نویسد: "سبب تألیف این کتاب آن بود که در شهر سنه ثمانین و خمس مائه خداوند عالم رکن‌الدنیا والدین طغرل‌بن ارسلان را هوای مجموعه‌ای بود از اشعار، خال دعاگوی، زین‌الدین می‌نوشت و جمال نقاش اصفهانی آن را صورت می‌کرد، صورت هر شاعری می‌کردند و در عقبش شعر می‌آوردند و مضاحکی چند می‌نوشتند و آن حکایت را صورت رقم می‌زدند..." (۱۱: ص سی و یک و سی‌وسه).

زین‌العابدین اصفهانی

از هنرمندان قلمدان‌ساز و گل و مرغ قرن سیزده و چهارده هجری قمری در اصفهان بوده است. که رقم می‌کرده «رقم کمترین زین‌العابدین اصفهانی». «با میر زین‌الدین اصفهانی شاکرد میرمصور مربوط به اوایل دوران صفویه متفاوت می‌باشد.» (۷: ص ۱۰۴).

سیدعلی درب امامی

سیدعلی از نقاشان اواخر قرن یازدهم هجری و اوایل قرن سیزدهم است. به دلیل همجواری با امامزاده درب امام (از بناهای جهانشاه قراقویونلو محل دفن دو امامزاده ابراهیم بطحا و زین‌العابدین می‌باشد) به سید درب امامی معروف گشته است.

شاه محمد اصفهانی

از نگارگران اواخر قرن دهم هجری است، به شیوه پایه‌گذاران مکتب اصفهان یعنی محمد مصور نقاشی می‌کرده رقم او عبارت است از «عمل شاه‌محمد اصفهانی»

پی‌نوشت

۱- واژه مکسب یک روش علمی برای طبقه‌بندی و تفکیک گونه‌های مختلف آثار هنری، هنرمندان و یا به‌طور کلی روش اندیشه می‌باشد، در این نگرش کلیه افراد و طرفداران یک استاد یا یک آموزه فلسفی، حقوقی یا ادبی تحت عنوان مکتب طبقه‌بندی می‌شود.

۲- استاد جلال‌الدین همای می‌معتقد است خواجه عبدالعزیز اهل کاشان بوده است، تاریخ اصفهان، ص ۲۹۰.

۳- ملا علی اصغر، ظاهراً همان علی‌اصغر کاشانی پدر رضا عباسی است (۱: ص ۱۷۶).

۴- حکایت کرده‌اند که شاه طهماسب غلامی مقبول، به نام میرزا محمدبن خواجه قباح داشت که دارای ملاحظت و مایه آرام دل و جان شاه بود. هر وقت که سلطان به نقاشخانه می‌رفت او نیز پیوسته همراهش بود. خواجه عبدالعزیز و علی‌اصغر در وادی کفران نعمت حيله‌ای اندیشیدند و فکری مکرر ساختند که آن میرزا محمد را گمراه کنند. به اتفاق

پرفشاق خود، تیان فراق را طراحی نو در انداختند و عزم جانب سواد هنر کردند، چون به دارالملک شیراز رسیدند، پروانه تقی‌ای ارائه کردند (گویا مهر شاه را دزدیده بودند) و از حاکم آنجا مخارج لازم خویش را گرفتند و کوشیدند که به بندر هرمز بروند تا آن مروارید بندر را در اختیار داشته باشند.

طهماسب غمگین و مبتلای درد فراق و الم و گرفتار دم سرشک و فریاد و ندم شد. چاپار بی آنان روان کرد. چاپار هر سه تن را در حال گذر از بندر دستگیر کرد و گشاکشان به دیوان سلطان برد. سلطان ابتدا خواست که آن جوان و دو نقاش را به مجازاتی شدید محکوم کند، اما از کشتن خواجه عبدالعزیز که مردی استاد و بین نقاشان نادرای مقبول‌الایجاد بود، صرف‌نظر کرد و بر دست خود بینی او را برید و هر دو گوش علی اصغر را قطع کرد (۷: ص ۱۰۵).

۵- علیرضا عباسی خوشنویس معروف دربار شاه عباس اول با رضا عباسی نقاش متفاوت است.

۶- حسین‌خان شاملو از امرای مشهد عهد شاه طهماسب بود در سال ۹۳۷ از شیراز آمده در اصفهان به خدمت شاه رسید و مورد نوازش قرار گرفت بعد از سرگک برادرش

درویش‌خان حاکم هرات شد و در جنگ با عبداللہ‌خان دلاوری بسیار کرد و ایالت و دارایی هرات به او تفویض گردید حسین‌خان تا اوایل عهد شاه عباس بیگلربیگی خراسان بود (۹: ص ۱۵۱).

منابع

۱- اسکندریک منشی، تاریخ عالم آرای عباسی، ج اول، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۵۰.

۲- پاکباز، رویین. *دایرةالمعارف هنر، فرهنگ معاصر، چاپخانه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۹.*

۳- پوپ، آرتور، اېهام. *سیر و صور نقاشی ایرانی، ترجمه یعقوب آژند، انتشارات مولی، ۱۳۷۸.*

۴- جوانی، اصغر. «مکتب نقاشی اصفهان»، پایان‌نامه دکتری، دانشگاه هنر، ۱۳۸۳.

۵- ذکاء، یحیی. *مجله سخن، دوره سیزدهم، ۱۳۴۱.*

۶- سودآور، ابوالعلاء. *هنر دربارهای ایران، ترجمه ناهید شمیرانی، نشر کارنگ، چاپ اول، ۱۳۸۱.*

۷- عالی افندی، مصطفی. *مناقب هنروران، ترجمه دکتر توفیق هسبحانی، انتشارات سروش، تهران، ۱۳۶۹.*

۸- کریم‌زاده تبریزی، محمدعلی. *احوال و آثار نقاشان قدیم ایران و برخی از مشاهیر نگارگری هند و عثمانی، جلد اول، دوم و سوم، لندن، ۱۳۶۹.*

۹- میرمنشی قمی، قاضی احمد. *گلستان هنر، به اهتمام سهیلی خوانساری، بنیاد فرهنگی ایران، ۱۳۵۸.*

۱۰- میناسیان، لئون. «استاد میناس، نقاش مشهور جلفاه، هنر و مردم، شماره ۱۷۹.

۱۱- همایی، جلال‌الدین. *تاریخ اصفهان (مجله هنر و هنرمندان)، به کوشش ماهدخت بسانو همایی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۵.*

12- Smit, Vincent, *History of Fine Art in India and Ceylon*, 1911.

13- Martin, F.R. *The miniature Painting and Painter of Persia-India and Turkey*, London, 1912.